

CARPET PLUS

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف
Iranian Visual carpet Magazine

"کارپت پلاس" / شماره ۲۱- آبان ماه ۱۴۰۰

خانم مریم احمدی

تولید کننده فرشهای سفارشی و تابلو فرش،
فروشنده نخ و نقشه در بازار بزرگ فرش تهران



CARPET PLUS



ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine

- [۳] صفحه نخست | شعر قالی
- [۵] سرمقاله | مریم طاهری
- [۶] تار | حمید زارعی
- [۷] بود | مرحوم استاد سید امیر حسین افسری
- [۸] معرفی یک هنرمند | صابر بیگس
- [۱۴] گفتوگو | خانم مریم احمدی
- [۳۲] مقاله تخصصی | دستبافته های عشایر ایران (قسمت ۳)
- [۳۸] گزارش خبری | موزه فرش ایران

www.thecarpetplus.ir | thecarpetplus

کارپت پلاس

مجله اینترنتی فرش دستباف ایران
سال سوم / آبان ۱۴۰۰ / شماره ۲۱

سردبیر: مریم طاهری تفرشی
دبیر تحریریه/مدیر هنری: مهدیار پیرزاده
تحریریه: گروه نویسندگان
طراحی: آتلیه گروه سینج
سازمان تبلیغات و آگهی ها: ۰۹۱۲۶۹۳۵۲۹۱

این مجله رایگان است و رایگان خواهد ماند.

لازمه ی استفاده از مطالب و تصاویر این نسخه، به هر شکل و ترتیبی منوط به اخذ مجوز از "کارپت پلاس" است و نقض آن پیگرد قانونی دارد.

همچنین هرگونه بارگذاری محتوایی این مجله بر روی اپلیکیشن های موبایل و فروش پی دی اف این مجموعه ممنوع است.

پاییز را
به هیچ می‌انگارد
دستی که گره می‌زند بر تار قالی
زردش را درخشان
نارنجی را با اشک
و قرمزش را
جاودانه می‌بافد
" مریم طاهری "



این بیست و یکمین شماره "کارپت پلاس" است که مقابل دیدگان شما پهن می شود. تار و پود و رج به رج این مجله با شما و برای شما شکل می گیرد.

ما را از نظریات ارزشمندتان بی نصیب نگذارید.

همچنین بخش بازرگانی "کارپت پلاس" آماده پذیرش آگهی های تجاری و تبلیغاتی شما خواهد بود. به زودی طرح های توسعه ی تجاری و مارکتینگ کارپت پلاس از طریق مجله، شبکه های اجتماعی و وبسایت مجموعه به اطلاع شما عزیزان خواهد رسید.

چند سال پیش در یکی از سالنهای نمایشگاه به سفارش یکی از دوستان بدنبال فرشی ۶ متری با مضمون برگ پوشان پاییزی می گشتم و هر گشتم فرشی گستردنی بر روی زمین پیدا نکردم. هر چه بود تابلو فرش بود اما دوستان اصرار داشت که حتما ۶ متری باشد که هر وقت روی آن راه برود، پاییز زیر پایش باشد اما پیدا نشد که نشد. در میان این جستجو تابلو فرشی زیبا از پراکندگی برگها بر روی زمین پیدا کردم و وقتی جویای بافنده شدم متوجه شدم که بافنده آن یک خانم تقریبا نابیناست، یعنی درصد بینایی بسیار پایینی داشت اما چنان با مهارت این تابلو فرش را بافته بود که زیبایی خیره کننده اش مرا بوجد آورده بود. می خواستم سفارش همان طرح را در اندازه ای که می خواستم به بافنده آن بدهم برای همین با بافنده صحبتی داشتم و در بین صحبتها از او سوال کردم که چطور با این وضعیت اینهمه رنگ را به زیبایی در کنار هم قراردادی! شما که خوب نمی بینی و تشخیص اینهمه رنگ و در کنار هم قرار دادن این طیف رنگی بسیار سخت است. می دانی چه گفتم، او گفت: او گفت: بافتن پاییز چشم نمی خواهد دل می خواهد ...

پاییز یک شعر است یک شعر بی مانند، زیباتر و بهتر از آنچه می خوانند. پاییز، تصویری رؤیایی و زیباست مانند افسون مانند یک رؤیا که با برگ میرقصد با باد میخندد، در بازیش با برگ او چشم می گذارد تا از نگاه او برگ پنهان شود سپس پاییز بدنبال او می گردد و به رسم هرسال بازنده ی بازی است.

بسیار خوشحالم که این بازی هرساله ادامه دارد و هر سال پاییز شادمانه روی برگها بدنبال او می دود همچون کودک شاد و در عین حال غمگین اما بهتر از اینها پاییز، پاییز است.

اگر پاییز نبود هیچ اتفاق شاعرانه ای نمیافتاد نه موسیقی باد بود نه سمفونی کلاغها نه رقص برگ و نه رقص رنگها و ما هیچ بهانه ای برای بافتن زیبایی طبیعت نداشتیم. هیچ بهانه ای برای آواز بافتن رنگها در کنار هم نداشتیم. چطور می خواندیم رنگها را، شتری پیش رو دو تا قرمز جاش کن یکی زرد کنارش بعدش قهوه ای پر کن....

پاییزتان مبارک



آقای حمید زارعی

حمید زارعی متولد سال ۱۳۶۲ کاشان و دارای تحصیلات کارشناسی طراحی فرش از دانشگاه زاهدان هستند. پس از اتمام تحصیلات در شهر خود فعالیت هنری را در زمینه طراحی فرش آغاز کرد و سپس برای پیشبرد کارهایشان مجموعه طراحی فرش را در شهر کاشان راه انداختند این مجموعه با نام طراحی فرش زارعی در راستای اعتلای این هنر گام بر میدارد و از گروهی متخصص در زمینه طراحی و نقاشی فرش برخوردار است. حمید زارعی و تمامی همکارانشان در این مجموعه همواره تلاش خود را برای ارائه طرح های نو و زیبا در این زمینه دارند.

سایه شان مستدام باد



#تار



#پود مرحوم استاد سید امیرحسین افسری

یکی از بزرگترین و مشهورترین طراحان فرش کاشان سید امیرحسین افسری کاشانی متولد شهریور سال ۱۳۱۴ است؛ وی نقاش و طراح چهره و قالی اهل کاشان بود که فعالیت در این حرفه را از دوران نوجوانی آغاز کرد از آثار معروف و گرانبهای ایشان می‌توان به بازبافی فرش پازیریک که در سال ۱۳۴۲ انجام شد اشاره کرد.

امیرحسین افرش کاشانی با نام مستعار امیر افسری فرزند میزرا پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در شهر کاشان در مرکز عالی هنر جذب شد ولی بعد از یکسال تحصیل آنجا را رها کرد و به کاشان بازگشت و در کنار خانواده خود با محوریت مادر که در صنعت رنگرزی مشغول بود به بازیافتی برخی از فرش‌های موزه‌ای پرداختند و هنرهای ماندگار و به یاد ماندنی را به موزه‌های جهانی دادند.

امیر افسری در سال ۱۳۸۷ به علت توانایی زیادی که در زمینه هنر داشت در دانشکده هنر و معماری کاشان به عنوان مدرس هنر مشغول بود و از شاگردان توانمندش فرزندش بنام سید امیرمسعود افسری کاشانی بود که عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان نیز مشغول به کار بود؛ سید امیر مسعود در اثر سانحه رانندگی فوت کرد.

از آثار ماندگار استاد امیر افسری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: از طراحی و تهیه فرش حکیم ابوالقاسم فردوسی که در موزه طوس مشهد نگهداری می‌شود؛ طراحی و تهیه فرش ابن سینا برای موزه مسکو، طراحی و تهیه فرش تصویر ابوعلی سینا که در موزه بوعلی همدان نگهداری می‌شود؛ طراحی اثر فالگیر تابلو فرش استاد کمال الملک، طراحی و تهیه تابلو فرش چهره حافظ برای دانشگاه تهران، طراحی و تهیه تابلو فرش ایران باستان با خطوط میخی برای موزه باغ فین کاشان است. او با عشق و علاقه پس از به جای گذاشتن صدها اثر زیبا و خارق العاده در فروردین سال ۱۳۹۸ پس از ۸۴ سال زندگی در گذشت.

روحش شاد و یادش گرامی باد



معرفی یک هنرمند



صابر بیکیس

هنرمند بافنده فرش دستباف

اقای صابر بیکیس فرزند خانلارمتولد سال ۱۳۴۶ اردبیل و از ۷ سالگی قالیبافی را شروع کردند و در سال ۱۳۶۰ به تهران مهاجرت کردند و در نزد استاد رسام عربزاده بمدت ۲۱ سال هنر قالیبافی و چهره بافی را آموزش دیدند و کار کردند

در طی این مدت حدود ۷۵ قطعه از ۱ متر تا ۲۴ متری بافته اند که ۴۰ قطعه آن نقش و نگارهای آستان قدس رضوی است. و مابقی آنها آرم ادارات و سازمانها از جمله آرم





سازمان ملل (۳ قطعه) - سازمان حمایت از سالمندان فلسطین، نهاد ریاست جمهوری، شهرداری تهران و ... و بعد از فوت استاد عربزاده کارهای نیمه تمام ایشان کامل کردم و تا سال ۱۳۸۲ در آن مجموعه مشغول به کار بودم. در حال حاضر مشغول بافت آیه های قران کریم و آموزش بافت در منزل هستیم.







تبلیغات 

"آرتیرانی" هنرِ نفیس ایرانی



Persian Handmade

WWW.ARTIRANI.COM

TEL 09122129733

این یک گفتگوی خودمانیست با یکی از دست اندرکاران فرش نه مصاحبه رسمی ، بهمین سبب هر آنچه که نوشته شده بی هیچ کم و کاست و با همان لحن گفتمان نگارش شده است.

گفتگو



خانم مریم احمدی
تولید کننده فرشهای سفارشی و تابلو فرش،
فروشنده نخ و نقشه در بازار بزرگ فرش تهران



و کسانی که دورو برم بودند فقط بافنده بودند و نمی‌دونستند که چه کارهایی برای فرش می‌توان انجام داد بنابر این خودم رفتم و بدنبال یادگیری همه امور فرش.

بعد از گرفتن دیپلم فرش، رفتم وزارت بازرگانی و اداره فرش و تمامی دوره‌ها و مدارکی که در ارتباط با فرش بود را گرفتم حتی در زمینه‌های بازرگانی و صادرات هم آموزش دیدم و برای کیفیت نخ هم دوره‌های آموزشی را گذراندم و هر آنچه در ارتباط با بافت و نخ می‌باشد را آموزش دیدم.

چطور وارد بازار فرش تهران شدید؟

بدلیل علاقه ام به فرش بعد از طی دوره‌ها با وجود مخالفت خانواده وارد بازار فرش شدم. مدتی بعنوان فروشنده در بازار شروع به کار کردم و همینطور تدریس بافت. پس از آن شروع به تولید کردم و با سرمایه اندکی که از فروشنده‌گی و تدریس داشتم تولیدات کوچکی

لطفا خودتان را معرفی کنید و بیوگرافی از خودتان بفرمائید.

مریم احمدی هستم متولد ۱۳۴۸ و دیپلم تجربی دارم پس از دیپلم بلافاصله ازدواج کردم و صاحب ۲ فرزند هستم، دخترم دکترای اقتصاد دارند و در خارج از کشور مشغول به کار و تحصیل هستند. پسر هم مهندس پلیمر هستند و مدیر قسمتی در کارخانه هستند. پس از دیپلم و ازدواج به مدت چند سال تحصیلات حوزوی را خواندم و چند سال تدریس علوم دینی را داشتم. چندین سال بعد به بدلیل علاقه زیاد به فرش دیپلم فرش را گرفتم و وارد وادی فرش شدم.

چند سال است که کار فرش رو شروع کردید؟

۲۵ سال است که شروع کردم اول که با مخالفت شدید خانواده مواجه شدم که همیشه تصورشان در این بود که این کار مربوط به بچه‌های روستاست و بچه‌های شهر نباید بافت فرش رو انجام بدهند اما من چون از کودکی به فرش بسیار علاقمند بودم و پدرم هم اصفهانی هستند همیشه فرشهای زیبا را در خانه و در منزل دوستان میدیدم و همین علاقه ام را چند برابر کرد و تصمیمم را مصمم تر که این کار را ادامه دهم.

تصور شما برای شروع و ادامه کار فرش چیست؟

اول که بافت فرش شروع کردم و بعد دیدم که علاقه ام به فرش بیشتر و بیشتر شد و فقط بافت ساده فرش من رو راضی نمی‌کرد و به سمت تخصصی تر بافت پیش رفتم و شروع کردم به یادگیری تمام ریزه کاری‌های فرش مثلا از کودکی همیشه فکر می‌کردم که طرح‌های فرش رو چطوری میدهند



به راه انداختم. البته تولید بسیار هزینه بر است تقریباً می توان گفت که اگر بصورت کارگاهی و حرفه ای نباشد در این دوران که بافنده خوب کم است و گران و مواد مصرفی هم بسیار هزینه دارد تولید بسیار سخت است .

چه کارهای خاصی را تولید کرده اید؟

دو تا کار حجمی بافت فرش دو روی تمام ابریشم تولید کردم که بسیار برایم گران درآمد. و دیگری شیرازه ۳۰ جزء قران بود که تمام ابریشم دو رو و ۷۰ رج بافته شده.

آیا این کارها برای فروش بودند و بفروش رسیدند؟

خیر این دو تا کار حجمی برای مجموعه خودم نگهداری میشه چون بسیار برایم ارزشمند و چندین بافت انجام دادیم تا به این کار زیبا دست

پیدا کنیم . اما شیرازه قران را به سفارش شخصی انجام دادم که الان هم بقیه قسمتهای آن ابافته شده و به تازگی به اتمام رسیده است.



آیا این کار در موزه و یا جایی برای نمایش گذاشته شده؟

نه، فکر می کنم که این کار را به کشورهای عربی فروخته اند. چون سفارش مشتریان بود.

خوب در اصل شما تولید کننده هستید؟

بله ما همه چی تولید می کنیم از بافت ساده و تابلو فرش تا نفیس ترین کارها . اما تخصص من یعنی چیزی که من بلد هستم و خیلی های دیگر از تولید کنندگان بلد نیستند بافت فرش دو رو است که الان دیگر تقریباً جایی بافته نمی شود. مرکز بافت اصلی بافت فرش ابریشم قم است که در آنجا هم دو رو بافی انجام نمی شود و فقط

در یک نقطه از ایران است که آنهم در خراسان جنوبی بود.



آیا شما آموزشگاه تخصصی دارید و یا بصورت خصوصی آموزش می دهید (نام آموزشگاه شما چیست؟

خیر، آموزشگاه بصورت مجتمع ندارم یا در همین بازار آموزش میدهم و یا بصورت خصوصی در منزل آموزش انجام میدهم. اما نام مجموعه ما " ایپک " است. و چند وقت است که بصورت مجازی هم در صفحه اینستاگرام آموزشهای بافت رو فیلم می گیرم و در صفحه بصورت رایگان می گذارم.

شما چند سال است که در بازار هستید؟

۱۵ سال است که در سرای بوعلی فروشگاه دارم.

درآمد اصلی شما از کدام پروسه فرش است؟

درآمد من مبتنی بر تولید نیست. فروش نخ و نقشه دارم، سفارش طراحی، خدمات بافت، آموزش و خدمات شستشو و عملیات پس از بافت و در اصل هر آنچه در ارتباط با فرش باشد را دارم.

پس مشکلی که برای تولید کنندگان مبئی بر درآمد برایشان پیش آمده برای شما نیست؟

خیر. من بدلیل اینکه منبع درآمد فقط تولید نیست با این مقوله مواجهه نشدم. خیلی از تولید کنندگان بدلیل اینکه فقط تولید داشته اند و الان که نه صادرات هست و نه بازار داخلی آنچنان که بتوان فروش خوبی داشت متاسفانه دچار مشکل فراوانی هستند.

به نظر شما تولید امروزه تغییری کرده؟ آیا بهتر شده و یا بدتر؟

ببینید بافنده خوب که تقریباً باید گفت اصلاً نیست خیلی خیلی کم شده و هر چقدر هم دستمزد را بالا میبریم نیست در اصل خیلی کم میشه پیدا کرد کسی که دستبافه اش را ببافه و بفروشه . تقریباً بیشتر بافنده ها برای خودشون می بافند و یا پس از فروش می فروشند بعنوان سفارش بافت برای کسی خیلی کم می توان بافنده پیدا کرد.

با این تفسیر آیا شما بافنده ثابت دارید؟

بله هنوز پیدا می شوند که بصورت ثابت برایمان کار کنند مثلاً الان تقریباً ۳۰ بافنده داریم که بصورت ثابت هستند و هر زمان سفارش کار داشته باشیم به آنها میدهم و تقریباً نمیگذاریم دستشون خالی باشه و همیشه به آنها کار میدهم. اما حقوق ثابت نداریم هر چقدر که بافت انجام بدهند دستمزد دریافت می کنند.



چه توصیه ای برای افرادی که وارد این وادی می شوند دارید؟

در کاری که انجام می دهید عشق شما به اون کار باعث پیشرفت شما می شود اصلا کاری به اینکه چطور درآمد کسب کنید و مشتری جذب کنید رو نداشته باشد شما با عشق و علاقه و جدیت کار رو انجام بدهید مشتری خودش جذب خواهد شد و شما به موفقیت می رسید.

شنیدم که نامزد انتخابات اتحادیه فرش هستید؟ بله

با صحبت هایی که با دوستان در اتحادیه فرش دستباف داشتم اینطور به نظر میرسه که مایل

راستش من که چند روز پیش با آقای عراقچی صحبتی داشتم عقیده اشون این نبود و ناراحت بودند. اما اتحادیه در این موارد نمی تواند کاری انجام بدهد. این پروسه فرش خیلی عظیم و گسترده است. مثلا مرکز ملی فرش تشکیل شد اما عملا هیچ کاری برای فرش انجام نداد. امروزه هم که بسیار با مشکل بافنده و بافت خوب و تولید و فروش و صادرات مواجه هستیم و این نقیصه در کار فرش به ۲۰۰، ۳۰۰ سال گذشته بر میگردد و با عدم شناخت و آگاهی از مدیریت درست همینطوری بدون برنامه ریزی صحیح ادامه یافته تا به امروز که ما با کیفیت بد فرش و کارهای غیر اصولی که درارتباط با فرش انجام میدهند و فرشهای نو رو با مواد کهنه می کنند و بجای فرش کهنه به دنیا فروختند و بازار جهانی را از دست دادیم و دیگر اینکه هزینه بافت در ایران خیلی بالاست و کشورهای مثل افغانستان و چین و هند و نپال توانستند بازار فرش جهان را بگیرند و مطلب سوم اینکه نقشه های فرش ایران خیلی شلوغه و مطابق سبک زندگی امروزی جهان نیست و



هستند که بازار فرش به این صورت نباشه و تصور این رو دارند که اگر بازار فرش تهران به منطقه وسیع و منسجم مثل ایران مال بره بسیار بهتره و کارایی تر خواهد بود و اتحادیه اصلا با این حجره های بازار که یکی یکی بسته می شوند و به شغل دیگر روی می آورند مخالفتی نداره. نظر شما چییست آیا شما هم همین عقیده را دارید و بعد از اینکه انتخاب بشوید از این نظریه دفاع خواهید کرد؟

تا به سبک امروزی برسیم خیلی زمان برد. حالا هم با تحریم هایی که شدیم باعث شد که کلا صادرات فرش را از دست بدهیم و تولید کنندگان و صادرکنندگان فرش با مشکل درآمد مواجهه شدند و کم کم کارگاهها تعطیل شد و پشت سر آن حجره های صادرات فرش هم یا بسته شده و یا تغییر شغل دادند. اینها همه پشت هم ضربه هایی بود که به فرش خورده است و همه این موانع باید یکی یکی برداشته بشه تا اتحادیه بتونه کاری انجام بدهد.

با این صورت نظر شما برای ادامه تولید و فروش فرش چیست؟

با این طریق پیش آمده، نظر من بازار داخلی است چون الان بدست آوردن بازار خارجی خیلی سخته و ما حداقل کاری که می توانیم انجام بدهیم اینه که بازار داخلی رو به مردم نشان بدهیم اول اینکه فرش رو به عنوان یک هنر نشان بدهیم خود من چندین ساله این کار را انجام دادم و نشان دادیم که این کار یک هنره و مردم رو بیشتر علاقمند به دستبافته ها نماییم و مردم لذت ببرند از دیدن و تشویق کنیم به بافتن آن و بیاییم به مردم بگیم که علاوه بر اینکه یک هنردست هست و در زیر پا انداخته می شود بعنوان یک سرمایه است و هر موقع که بخواهید می تونید به پول تبدیل کنید هم ارزش مالی داره و هم ارزش هنری.

گفتید که در شبکه های مجازی فعالیت دارید بفرمایید که چگونه؟

من با فیلم گرفتن از بازار و معرفی بازار و پخش آن در شبکه های مجازی بازار تهران را معرفی کردم. و اینکه فرش از بازار تهران بره کار بسیار اشتباهی است و اگر آقای عراقچی این نظر رو دارند من نمیدونم و چون بالاخره ایشون نظرشون خیلی محترمه و اشراف بیشتری روی این موضوع دارند اما چیزی که هست اینه که خیلی از مردم خود محیط بازار رو دوست دارن اما خیلی از نسل جوان اصلا نمیدونن که داخل بازار فرش هم داره و شاید آقای عراقچی اینکه نظرشون اینه که فرش از بازار بره برای اینه که دسترسی و استقبال نسل جوان به پاساژهای بزرگ خیلی راحت تره و این نسل بهتر می تونن دسترسی پیدا

کنند به فرشها. چون واقعا بازار آمدن با این شرایط ترافیک و نداشتن پارکینگ و شلوغی آن واقعا سخته.

- شاید نظر شخصی ایشون علاقه به بازار باشه اما عملا اتحادیه هیچ کاری مبنی بر کمک به فرش فروشهای بازار نکرده . بطور مثال من که چند روز پیش در داخل سرای فرش فروشهای بازار بود بین چندین مغازه نو نوار شده لباس زیر یک حجره قدیمی فرش دیدم که هنوز به فروش فرش البته از نوع دست دوم فروشی مشغول بود برای من بسیار جذاب و تحسین برانگیز بود که چطور با وجود اینکه تمامی همسایگانش تغییر شغل دادند ایشون هنوز فرش فروشی رو داشت البته که مغازه بسیار کهنه و فرسوده بود و واقعا احتیاج به بازسازی داشت با این حال با شادمانی رفتم سراغشون که صحبتی داشته باشم و ایشون در جواب من گفتند که راستش از علاقه بیش از حدم به فرش نیست که این مغازه رو نگه داشتم بلکه شهرداری برای بازسازی آن یک مبلغ گزافی از من خواسته که من در توانم نیست و چون الان دیگه فرش فروشی درآمدی ندارد مایل هستم مثل دیگران تغییر شغل بدهم یا مغازه رو بفروشم که به این شکل اصلا امکانپذیر نیست . من سوال کردم آیا اتحادیه پشتیبانی و یا کمکی به شما کرده و گفتند اصلا اتحادیه هیچوقت هیچ پشتیبانی از فرش فروشها نداشته و اصلا نه ما رو راه می دهند و نه خودشون میان ببینن. من از ناچاری چهار تا تیکه فرش دست دوم گذاشتم اینجا که آیا فروخته بشه و مغازه هم که می بینید انقدر فرسوده است که انگار هر لحظه فرو میریزه .

خانم احمدی من بعنوان یک فرشی که علاقه وافری به بازار و فرش دارم این حجره ها را هم زیبا و هم لازم میدونم ، هم برای اینکه

این نسل از دست نروند و هم برای آینده که دوباره فرش به شکوفایی خود برسد برای همین فکر می کنم اتحادیه لازمه در این باره دخالتی کند تا این نسل و حجره ها از دست نرود مثلا من بعنوان یک پیشنهاد عرض می کنم حالا چگونگی و ساخت و سازش با خود اساتید....

من میگویم اتحادیه با شرایط خاصی با این حجره داران قدیمی در ارتباط باشه و با قدرت خودش از شهرداری ها تخفیفاتی در نظر بگیرند که تسهیلاتی در اختیار این افراد قرار دهند که مغازه اشان را به شرط اینکه همان فرش فروشی نگه دارند بتوانند از تسهیلات ویژه برخوردار گردند. به این صورت هم مغازه ها نو خواهند شد و هم فرش فروشی ها از بین نخواهند رفت و این صحنه زشتی که در سرای فرش فروشی های چندین و چند ساله بوجود آمده رو نبینیم . حال نظر شما راجع به این دیدگاه بعنوان یک نامزد انتخاباتی چیه؟

هر کدامشون از یکطرف خوبه، ببینید الان این شهر فرش بسیار داره خوب میفروشه به چند دلیل اول اینکه تبلیغات خوب می کنه هم برای دسترسی به فروشگاه ها بدلیل پارکینگ و خارج بودن از طرح و هم برای قرار گرفتن فرشها و بازدید راحت مردم و انتخاب آنها. با توجه به اینکه شهر فرش هزارتا فرش ماشینی داره و دو سه تا فرش دستباف هم کنارش گذاشته و مردم وقتی به آنجا مراجعه می کنند آگاهی از فرش ندارند و فکر می کنند که فرش مناسب دستباف رو با قیمت مناسب خریدند من کسانی رو می شناسم که به من گفتند که رفتند شهر فرش و یه فرشی رو با رجشمار بالا و تمام ابریشم خرید مثلا ۲۰ میلیون و خیلی هم خوشحال بودند و وقتی من می گفتم امکان نداره آنها اصرار می کردند که واقعا با این مبلغ خریدند و وقتی من فرش رو میدیدم می گفتم که



فرش ماشینی است اصلا نمیدونستند چون هیچ اطلاعی از فرش ندارند و با تبلیغات به زیبایی فرش و ابریشم بودنش آن را می خریدند. بهرحال مردم شناخت کافی از فرش ندارند و این زیبایی و راحتی است که جذب آن می شوند. خوب اگر این امکانات فرش دستباف در پاساژهای جدید باشه و دسترسی مردم به سطح شهر راحتتر مردم بطرف آن جذب می

شوند و خرید راحتتری دارند نه جایی مثل بازار بدون پارکینگ و شلوغ و بدون تهویه مناسب و رفت و آمد خیلی سخته و حتی ما که اینهمه سال هست که در بازار هستیم با مسایل مختلف از جمله حمل و نقل مواجه هستیم و اگر بخواهیم وسیله ای رو برای مشتری جابجا کنیم باید پیک موتوری ببره و هزینه ها خیلی گرون هست ، داخل بازار که ماشین نمی تونه بیاد. باید یک پیک بگیریم ببره سر بازار حالا اگر شخصی خودش هم ماشین داشته باشه یا پیک باید برسونه بهش یا از همی گاری های بازار که هزینه ها خیلی بالا میره . اینها مسائلی است که دسترسی به بازار رو سخت می کنه. از طرفی بازار فرش توسط شغلها دیگر احاطه شده از یکطرف پارچه فروشها و از یکطرف لباس زیر فروشها و از یکطرف





و خیلی زیباست خوب این از لحاظ دید هنری خیلی قشنگه اما از لحاظ دید تجاری نه ، خود من صد در صد مخالف اینکه فرش فروشی ها به محیطهای جدید برن مخالف نیستم اما به نظرم وجود بازار هم لازم و زیباست .



دکمه فروشها . که همین باعث شده خیلیها نمی دونن که فرش فروشی ها کجاست و یکی مثل من باید هی به مردم بگه که داخل بازار هم فرش می فروشند.

- یعنی بنظر شما این قصور فرش فروشها و اتحادیه ها نیست که نتوانستد تبلیغ کنند و

فرش رو زنده نگه دارند؟

بله من از اول هم گفتم که این از قدیم بود حتی از ۱۰۰ سال پیش که به بودن فرش و ماندگاری آن در ذهن افراد توجهی نکردند همینطوری که نسل

- حالا که این اتفاق افتاده و این کم کاری از طرف مسئولین پیش آمده و ما حجره های زیبای بازار فرش رو به نوعی از دست دادیم برای نسل جدید هنرمند که عاشق فرش و بازار فرش هست چکار باید کرد؟ یعنی چه تصمیماتی می توان اتخاذ کرد که همین نسل هنرمند عاشق فرش از دست نرود؟

راستش من این چند ساله خیلی تلاش کردم مثلا همین سرای بوعلی که ما روزهای اولی که آمدیم اینجا آنقدر بد بود که حتی یک سرویس بهداشتی هم این سرای به این بزرگی نداشت و همش با تلاشهای ما و هیئت مدیره جدید خیلی تغییرات صورت گرفته البته در جهت امکانات اولیه می توان گفت وگرنه هنوز برای زیبا سازی آن هیچ کاری صورت نگرفته حتی امکانات اولیه که برای زندگی باشد از قبیل

فرش فروشها میدانستد و از هم خبر داشتند کافی بوده و نسل بعدی از کار پدر بی خبر شد و رفته رفته فرش رو به فراموشی سپرده شده چون همه چی رفته رفته مدرن شده و با زمان خود پیش رفته اما فرش مدرن نشده و بصورت سنتی خرید و فروش میشده و به حال خودش رها شده و الان که ضربه شدیدی خورده و چون سالها گذشته درست کردن آن بسیار سخته . از جهتی هم که چون فرش یک هنر سنتی است وجودش در بازار سنتی خیلی زیباست و به نظر من جذاب هست. مثلا خود من که توی کار فرش هستم از توی بازار آمدن لذت می برم این ساختمانهای قدیمی و سقفهای زیبا و این محیط برای من و امثال من جذابه. مثلا همین سرای رحیمیه سقفش کاملا چوبه



فرشی بخرند که خوبه و اگر هم نخریدند لاقل با این محیط بازار آشنا شوند و واقعا حیفه که ما یک همچین محیطی رو از دست بدهیم اگر چه بازار بسیار سنتی است و کسانی که در وادی فرش هستند یک بیزینس خانوادگی بوده و دست قدیمی های فرش بوده یا لاقل از پدر به پسر رسیده اما من جزو افرادی هستم که اصلا پیشینه خانوادگی در این رشته ندارم بلکه عشق و علاقه خودم من را به این سمت کشانده. خوب این افراد با آن طرز تفکر قدیمی خودشان که داشتند و می گفتند که ما دم حجره هایمان مینشستیم و مشتری می آمد و فرش رو می دید و التماسمان می کرد برای خریدن فرش، یعنی که چی ما بریم تبلیغ کنیم بگیم کسی از بیرون بیاد و از ما جنس بخره. خیلی سخت توانستند که بپذیرند که دنیای خرید و فروش امروزه عوض شده و خیلی ها امروزه در خانه هایشان نشستند و خرید و فروش را از طریق آنلاین انجام

آب و امکانات بهداشتی اصلا نبود . میگویم زندگی چون بهر حال ما داریم اینجا زندگی می کنیم بیشتر ساعات روز رو در اینجا بسر می بریم و باید به آن اهمیت دهیم . نظر من مثل نظر شماست من خودم عاشق فرش هستم و علاقه ام به خود فرش است خیلی بدنبال پول درآوردن نیستم البته که باید در این ارتباط پولی هم بدست آورد چون اگر بدست نیاوری خود اون کسب و کار از دست میره. چون حتی اگر نخواهید زندگی رو هم با اون بچرخونید بخاطر حفظ اون کسب و کار و کسانی که پیش شما کار می کنند باید یک درآمدی داشته باشید که بتوانید آن کار را ادامه دهید. اما من خودم به شخصه عاشق بازار هستم به این کار بسیار علاقمند هستم یعنی اگر یک روزی همه از بازار بروند باز من اینجا خواهم ماند. من عاشق این هیجان و شلوغی بازار هستم. بهمین جهت من در این راستا بسیار تلاش کردم و آخرین کاری هم که کردم این بود که شروع کردم مصاحبه با صاحبان مغازه های فرش البته آنهایی که مساعد بودند و همکاری می کردند. کم کم مصاحبه های کوتاهی داشتم و فیلم کوتاهی هم می گرفتم و می گذاشتم در صفحات اینستاگرام تا یک معرفی کوتاهی از مغازه های فرش برای کسانی که حتی در وادی فرش نیستند باشه که راهی بازار بشوند و ببیند و بیایند بازار اگر خواستند

که مغازه ای هست که از آنجا خریداری می کنند و برایشون ارسال همیشه.

- شما از وقتی که به بازار آمدید وضعیت چطور بود؟

راستش من از وقتی که بازار آمدم یعنی ۱۵ سال پیش همه می گفتند که بازار فرش مرده و دیگه درآمدی نداره، اما من توی همین بازار مرده رشد کردم و توی همون بازار مرده آنجایی که می خواستم رسیده . البته شاید درسته به نظر اونهایی که از ۱۰۰ سال پیش بازار پر رونق فرش رو داشتند این بازار مرده محسوب میشه اما از نظر من مرده نیست و هنوز پویا و درجریانه، وقتی من الان در همین بازار سرم شلوغه و خرید و فروش دارم پس در همین وضعیت هم می توان به بازار فرش امیدی داشت. بله برای کسانی که صادرات انجام میدادند بعلت اینکه صادرات فرش دیگه صورت نمیگیره و بیشتر کشورها ورود فرش ایرانی را تحریم کردند خوب بله صادرات فرش مرده و پاساژها و مغازه هاشون تعطیله چون اونها اصلا مشتری خونگی نداشتند اما برای ما که مشتری خانگی داریم همیشه مشتریهایمان را داریم.

می دهند و بعضی تصور می کنند که اصلا لزومی نداره که بازار فرش کجا باشه توی خیابان خیام باشه یا ایران مال باشه فرقی نداره یا حتی دفتر فروش کسی در منزلش باشه موضوع سر اینه که بتوانند آنلاین خرید و فروش کنند باصطلاح خودشان را بروز کنند تا نسل جدید بیاید و از آنها خرید کند. برای اینکه ما در نسل جدید با افرادی مواجهه هستیم که حتی یک لباس خودش رو آنلاین خریداری می کنه و برای آن هم به فروشگاه نمیره و سفارش میده میاد دم خونه اش خوب این افراد برای خرید فرش که اصلا راهی بازار نمیشن مخصوصا الان که مسئله کرونا هم هست که به این مورد بسیار دامن زد و اون چند نفری هم که می آمدند و یک نگاهی به فرش می انداختند هم از بین رفت. برای اینکه از زمانی هم که کرونا آمده عادت کردند که همه چی رو سفارشی و آنلاین خریداری کنند به همین دلیل اگر بخواهیم تجارت فرش رو پیش ببریم خیلی باید در شبکه های مجازی موفق کار کنیم.

- خانم احمدی من با این صحبت شما که امروزه ناچاریم بصورت آنلاین باشیم موافقم اما معتقدم همه کسانی که حتی آنلاین خرید می کنند مخصوصا جنس به این گرونی رو در پس زمینه فکریشون یک مغازه ای باید باشه و این اجناس از یک مغازه معتبری بیاد که مثلا یک جایگاهی و مغازه ای هست که من زنگ میزنم و فرشی رو می خرم و یا سفارش خامه و نخ رو بدهند و برایشون ارسال بشه فکر می کنم به این صورت لااقل لازمه اینطور نیست؟

بله ما همیشه میگی که خریده ها رو از جای معتبر انجام بدهند و مطمئن بشوند



- چطور شد شما این قسمت از مراحل فرش رو انتخاب کردید؟

من راستش توی اون بحبوحه اینکه وضعیت فرش خوب نبود آدمم و گشتم و قسمتی رو انتخاب کردم که می دونستم در آن موفق می شوم دلیلی نداره کسی که کارش صادرات فرش بوده حالا که صادرات قطع شده هنوز در همان وادی بماند بنظرم باید تلاش می کرد و به مشتری های داخلی می پرداخت . بله شاید بگویند که مگر چقدر مشتری داخلی داریم و آیا گنجایش این همه فرش رو داره اما به نظر من با کوتاهی ها ما همین بازار داخلی رو هم داریم از دست می دهیم انقدر در مورد فرش دستباف کوتاهی کردیم که در اول که فرشهای ماشینی خارجی توانست بازار را بگیرد و امروزه هم فرشهای ماشینی در داخل کشور توانستند جای فرش دستباف را در خانه ها بگیرند. چرا چون من آمار گفتم و میدانم که نود درصد کسانی که فرش ماشینی می خرنند فکر می کنند که فرش دستباف آنقدر گرونه که نمی توانند بخرند در صورتی که میروند و فرشهایی رو که خیلی زیبا درست شده و جدیداً با ابریشم مصنوعی بافته شده با تصور فرش دستباف به مبلغ گزاف هم می خرنند در صورتی که ما یکسری فرش دستباف داریم که هم قیمت فرش ماشینی است البته خوب سلیقه امروزی و هماهنگی با وسایل خانه از جمله مواردی شده که جوانان فکر می کنند که فرشهای دستباف با خانه های جدید و دکوراسیون جدید ست نیست.

- به نظر شما چطور باید آگاهی داد؟

بنظر من ما باید مردم رو توجیه کنیم که الان فرش ماشینی زیبا با این قیمت های گران می خرنند دو سه سال

دیگه که دلش رو ز هیچ راه چاره ای نداره یا باید این فرشها رو یا لوله کنند بزارن سر کوچه یا با قیمت ناچیزی بفروشند اما اگر فرش دستباف را بخرند خودش یک سرمایه است اصلاً بعد از چند سال همون فرش فروشی که بهش فروخته فرش رو برمیداره با قیمت روز و یا می تونه عوض کنه و مبلغی بزاره روش یکی دیگه بخره و این مبلغ خودش سرمایه گذاری در طولانی مدته و ما باید این رو به مردم آگاهی بدهیم که همانگونه که در قدیم فرش هم برای استفاده بوده و هم سرمایه الان هم این اتفاق می توند بیافتد هنوز هم فرش دستباف سرمایه است.

- آیا در این راه با شما مخالفتی هم صورت گرفته که بخواهند شما رو از این کار منصرف کنند؟

بله بارها شده. مثلاً همین چندی پیش که جلسه ای از وزارت بازرگانی برای بازاریابی فرش بود که البته باید بگم که متأسفانه در این جلسات همه آقایون هستند و یکی دو تا خانوم حضور دارند. من وقتی داشتم صحبت می کردم یک آقای گفت خانم شما تازه وارد بازار شدید،



خودت از درب خانه تحویل میگیری حتی باید روی دارخودم چله کشی می کنی نه روی دار خودت برام میبافی و میاری تحویل میدی تا من قبول کنم. گفتم باشه یعنی من ۸۰۰ تومان ازش گرفته بودم ۱۸۰۰ هزینه کردم و دوباره همون کارهایی که می خواست انجام دادم و فرستادم دم خونه اش که بقیه اش رو ببافه. فردای اونروز دیدم که یکی زنگ زده و داره چیغ میزنه و میگه اونی که این رو بافته شماره

شما اصلا با ما قابل مقایسه نیستید و ما نمی توانیم از راه کارهای شما استفاده کنیم شما کسی هستید که دو روزه آمدید و شکوه و عظمت این بازار را ندید و نمی توانید تصور کنید البته من قبول دارم من اصلا نمی توانم به آنها کمکی کنم اما من میگم قبوله من تازه وارد این بازار شدم و در زمانی هم هست که فرش خیلی فعال و شکوفا نیست اما با توجه به تازه کار بودنم

و بدون تجربه ای در این کار الان خدا رو شکر موفق شدم و دارم کار می کنم و حدود ۱۵ سال هست که در بازار در همین رشته فعالیت می کنم و سعی دارم روزبروز پیشرفت کنم. من میگم خوب الان که یک قسمتی بسته شده یک راهی پیدا کنید و از قسمت دیگری وارد شوید مثلا اگر در صادرات بسته شده بازار داخلی رو دریابید و فرشهای صادراتی رو رها کنید به بازار داخلی بپردازید.

- خوب حالا بفرمایید که کار با مشتریان چگونه است؟

من خیلی راحت هستم و واقعا همه جوره سعی می کنم که مشتری راضی باشه و هر نخ و یا هر نقشه ای که دوست داشته باشه بهش میدم و راضی بودن مشتری برام مهمه . حالا یک خاطره ای از یک مشتری براتون بگم که یکبار یکی از مشتریانم هم نخ از من خرید وهم

نقشه رفت و حدود ۲۰۰ رج هم بافته بود که یک روز آمد اینجا و گفت این نقشه ای که دادی و من بافتم آهوهاش بجای اینکه قهوه ای باشه دارچینی شده من دوست ندارم گفتم خوب حالا چی کار کنم . گفت میری از شرکتی که من میگم نخ و نقشه می خری و میدی ۲۰۰ رج می بافند و با هزینه



های روی نخ ها رو کنده من نمیدونم که کدوم رنگ رو باید ببافم گفتم خانوم این فرش شما یک کارت رنگ داره نگاه کنید از روی همون کارت رنگ شماره بزیند و ببافید گفت که این شرکت کارت رنگ رو جوری زده که نمی توانم درست کنم شما باید بیایید اینجا ، خلاصه اینکه من رفتم خانه اشون و رنگها رو درست کردم و سه چهار تا رنگ بود که نتونستم درست



- کلا محدود کاری شما در این مجموعه چیست؟

اول از همه سفارش کار را می گیریم و سپس طراحان ما نقشه را می کشند و نخ و چله نیز بر طبق نقشه فرش از تبریز تهیه می شود و اگر سفارش دهنده خودش بخواهد ببافد که هیچ و گرنه بافنده‌آ داریم که می بافند و تحویل می دهند. ما در اینجا آموزش قالی بافی هم داریم هم بافت های ساده و هم بافت حرفه ای و تابلویی را آموزش می دهیم. پس از بافت نیز تمامی کارهای اتمام فرش را متقبل می شویم از جمله پرداخت و شستشو و دارکشی و غیره... و در همین دوران بافت کار مشتری خدمات آموزشی و یا مشکلی در بافت داشته باشند در خدمت مشتریان هستیم.

- شما در اینجا چند کارمند دارید و چند بافنده دارید؟

۴ نفر کارمند ثابت داریم و حدود ۳۰ الی ۴۰ نفر هم هستند که برای بافت و خدمات پس از بافت برایمان کار می کنند.

کنم چون رنگها خیلی شبیه هم بودند من در اون فاصله زمانی نتونستم رنگها رو دربیارم برای همین نخها رو اوردم خانه و از بچه ها هم کمک گرفتم و بالاخره کارت رنگ رو درست کردیم و فرستادم منزل این خانم که این خانم به من زنگ زد و گفت که من دیگه اینکار رو نمی خواهم این دلم رو زده و اصلا دیگه نمی تونم ببافم شوهرم هم گفته اصلا دیگه نمی خوام بیافی بیا اینها رو از من پس بگیر و خسارتم رو بده وگرنه ازت شکایت می کنم، که وقتی با اینهمه کوتاه آمدن این رو گفت دیدم که دیگه اصلا با این مشتری همیشه کوتاه آمد، رفتم اتحادیه و ماجرا را تعریف کردم و گفتم با وجود تمام تلاشی که برای رضایتش داشتم باز این خانم اینطوری میگن. که اتحادیه گفتند باشه بهش بگو بیاد اینجا که مثلا پادر میانی کنند و راضی باشه که البته معمولا اتحادیه فرش این اختلافات کوچک رو به همین منوال داوری می کند و حل می کنن. خلاصه که این خانم آمد اتحادیه و آقای عراقچی هم کلی با ایشون صحبت کرد اما ایشون زیر بار نرفت و هر چی گفتند که شما ۸۰۰ تومان دادید و این خانم تا الان برای راضی نگه داشتن شما ۲ میلیون تومان خرج کرده اما راضی نشد که نشد گفت نه من از این خانم شکایت دارم که مجبور شدند که گفتند باشه ما یک هیئت حل اختلاف داریم که روزهای خاصی میاینند و به این امور رسیدگی می کنند. که آنروز رسید و این خانم آمد و ۵ تا قاضی که بودند و وقتی این خانم شکایتش رو مطرح کرد و متوجه شدند قضیه چیست همه این قاضی ها مونده بودن به این خانم چی بگن فقط یکی گفت خانم شما چرا اینقدر کوتاه آمدید که این مشتری چنین ادعایی بکنه می خواهید این خانم مغازه اش رو بفروشه بده به شما تا رضایت شما رو جلب کنه مگه دیگه باید چکارکنه؟ خلاصه که این از ماجرای بعضی از مشتریان ماست.

- آیا شما کارگاه بافت متمرکز دارید و یا خانگی؟

خیلی قبل پایین چهارراه مولوی جایی اجاره کرده بودم و کارگاه متمرکز داشتم و بعد از آن در همین بازار فرش یک مکان ۲۰۰ متری را اجاره کرده بودیم و همین کارهای هنری گل لیلیوم و گل سرمه ای و خیلی از سفارشات را در همین کارگاه بافت اجرا کردیم. بعد از آن در منطقه اسلام شهر کارگاه داشتیم که بواسطه شروع کرونا کارگاه متمرکزمان جمع شد و الان هم همه سفارشاتمان در منازل انجام می پذیرد. در ورامین هم کارگاه غیر متمرکز دارم و مواد اولیه رو بطور کامل با دار قالی و وسایل با پیک به خونه هاشون میفرستم و فرش های سفارشی رو اونجا میافن و بعد از بافت برای من میفرستن و دستمزدشون رو در زمان تحویل بطور کامل دریافت میکنند.

اما به تازگی با همکاری کمیته امداد یک کارگاه متمرکز در صفادشت روستای قبقاق راه اندازی کردم که در اونجا فرش در ابعاد ۶ متری و ۹ متری و ۳ متری را تولید می کنیم و بافنده ها هر روز از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر مشغول به بافت هستند و باصطلاح بصورت ماهیانه حقوق دریافت می کنند. در حال حاضر ۶ جفت فرش ۶ متری نقشه سالاری با رجشمار ۳۵ و نخ کرک و ابریشم در حال بافت م

- آیا بعد از کرونا باز هم قصد دارید که کارگاه متمرکز بسازید؟
انشالله اگر خدا بخواهد و سفارشات زیاد باشد شاید

دوباره کارگاه را راه اندازی کنیم و گرنه برای کارهای معمولی خانه داری ها بهتر است زیرا خانمهای بافنده در منزل خودشان راحت تر هستند هم سر زندگی و بچه هایشان هستند و کار بافت را انجام میدهند. اما کارگاه متمرکز مزیتی که دارد در این است که همیشه بالا سر کار هستیم و اگر اشکالی پیش بیاید همان موقع برطرف می کنیم مخصوصا برای فرشهای دو رو که بسیار سخت است و بهتر است همیشه یک استاد کار بالا سر بافنده باشد تا بافت سالم و خوب در بیاید و گرنه بعد از بافت کامل دیگر نمی توان کاری کرد.

- آیا با شرکت سهامی فرش ایران، مرکز ملی فرش و اداره فرش بازرگانی کار کردید و یا در





این راستا کمک و همکاری از آنها گرفته اید؟

در طی یک دوره ای آموزشی کلاسهای بازاریابی و شناخت مصالح فرش را در آنجا گذراندم و از مرکز ملی فرش ظرف این سالها کمکی نداشتیم فقط یک سال یک غرفه ای در نمایشگاه بین المللی به ما واگذار کردند اما از اداره فرش بازرگانی خانم کمانی خیلی اعتبار و کمک دریافت داشتیم و همیشه با ما همکاری داشتند.

- آیا رنگرزی نخ ها را نیز خودتان انجام می دهید؟

خیر، چون سطح خرید نخ های ما زیاد است امکان رنگرزی به این وسعت را نداریم. ما کرک را از کاشان و پشم رو از اصفهان، مریوس رو از تبریز و ابریشم رو از قم می آوریم و همگی را رنگ شده تهیه می کنیم.

- نظرتون درباره فرش ماشینی چیست آیا به فرش دستباف ضرر زده؟

فرش ماشینی اصلا حوزه جداگانه ای دارد مثل چرم طبیعی و چرم مصنوعی. کسانی که بدنبال محصولات چرم طبیعی هستند فقط بسراغ آن می روند و توجهی به محصولات مصنوعی ندارند. فرش ماشینی و فرش دستباف نیز همین گونه است. به نظر من فرش ماشینی لطمه ای به فرش دستباف نزده هر کدام جایگاه خودشون رو دارند به نظر من فرش ماشینی مشتری خودش رو داره همان اشخاصی که فرش دستباف می خرنند ممکنه برای مکانهای دیگر منزل و یا ویلای خودشون چند قطعه فرش ماشینی خریداری کنند. به نظر من این فرش ماشینی ایرانی نیست که لطمه وارد می کند بلکه واردات فرش ماشینی از کشورهای مختلف است که اقتصاد این



محصول را در درآمدزایی مختل می کند چون کشورهای مثل چین که دقیقا نقشه های فرش دستباف را می بافند و با کیفیت عالی وارد کشور می شود باعث می شود که نگاه ها از فرش دستباف بسمت این فرشهای با کیفیت اما ماشینی و با قیمت نصف فرش دستباف وارد خانه ها شد.

اما فکر می کنم قیمت فرشهای ماشینی امروزه خیلی بالاست آیا این با فرش دستباف قابل مقایسه است؟

بله، متأسفانه امروزه خیلی قیمت فرشهای ماشینی بالا رفته است حتی باید گفت که بعضی از فرشها انقدر بالا هستند که می توانند با همان مبلغ فرش دستباف را خریداری نمایند و بعضی از افراد هم حتی متوجه نیستند که تفاوت آنها در چیست و مثلاً بعضی از آشناهای من می گویند که یک فرش تبریز تمام ابریشم خریدم مثلاً ۱۲ میلیون یک فرش ۶ متری را هزینه کرده اند و من با تعجب می گویم دستبافه و آنها هم با اطمینان می گویند که بله ابریشمه و وقتی من فرش را دیدم متوجه شدم که فرش ماشینی ۱۸۰۰ شانه و یا بالاتر را با نخ ابریشم مصنوعی بافتند و با طرح های زیبای فرش دستباف که همین باعث توجه مردم به فرش ماشینی شده و خوب قیمت آن نیز نسبت به مشابه دستباف آن ارزانتر است و برای همین خواستار آن شده اند.

- و سخن آخر

فرش یک هنر واقعاً ماندگار و منحصر به فرد ایرانی است و حیفه که این هنر را از دست بدهیم و من نظرم اینه که این هنر را جوانان ایرانی یاد بگیرند و لااقل بعنوان یک هنر اصیل توجه کنند. فرش



انقدر مطلب داره که هر چقدر هم یاد می گیری باز متوجه می شویم که هنوز هیچ چیزی نمی دانیم . من با وجود اینکه اینهمه در مورد فرش کار می کنم و آموزش دیدم باز فکر می کنم از این دریای هنر هنوز هیچ چیزی بلد نیستم مثلا خود من الان تخصصم در مورد فرش تبریز است و کمی هم فرش کاشان اطلاعاتی دارم و باز همیشه فکر می کنم که باید خیلی در مورد فرش و مناطق آن بدانم . امیدوارم روزی برسد که بتوانم این اطلاعاتم را فراتر ببرم و فرشهای مناطق دیگر را هم یاد بگیرم.

- من هم امیدوارم این اتفاق خوب برایتان پیش بیاید و جوانان هنر دوستان نیز از این موهبت برخوردار شوند و هنر فرش در ایران همواره زنده بماند. از شما هم بابت این گفت و گو سپاسگزارم.



#تارو و #پود

مجله اینترنتی **کارپت پلاس**، از ابتدای فعالیت حرفه ای خود تکریم و گرامیداشت پیشکسوتان و درگذشتگان هنرمند فرش را در راس برنامه های خود قرار داده و در هر شماره صفحه ای را به این عزیزان اختصاص داده است.

لطفا چنانچه در هر یک از زمینه های مرتبط با هنر فرش استاد و پیشکسوت و یا عزیز از دست رفته ای را می شناسید جهت ثبت در این مجله به ما معرفی نمایید

۰۹۱۲۲۱۲۹۷۳۳



CARPET PLUS

رسانه فرش دستباف

www.thecarpetplus.ir



دستبافته های عشایر ایران

قسمت سوم



کهگلوویه و بویر احمد، همچنان استفاده از این چادرها را ترجیح می دهند. عشایر کهگیلویه و بویراحمد، به منظور حفاظت از خود و خانواده شان برای زندگی در دامن طبیعت و نیز وسایل و لوازم ناچیزشان در برابر برف و باران از سیاه چادر استفاده می کردند..

سیاه چادر از موی بز در دو نوع تابستانی و زمستانی توسط زنان عشایر بافته می گردد، وزن و اندازه مناسب آن برای حمل و نقل آسان و سهولت بر پا ساختن و جمع آوری آن از ویژگی های این مسکن سیار عشایر است. سیاه چادر با ویژگی خاصی که دارد سال های سال به یک صورت و طرح باقی مانده و به

نام مسکن عشایر به طور عموم آلاچیق بوده که از دو بخش تشکیل می شود. بخش بالایی چادر (سقف آن) که سیاه چادر نام دارد و از موی بز بافته می شود. بخش دیگر دیواره جانبی است که چیق (یا چیت) نام دارد و از ترکیب نی و موی بز ساخته می شود

سیاه چادر

سیاه چادر، به دست بافته ای بسیار ساده با موی بز جهت استفاده در سقف و دیوارهای چادر عشایر گفته می شود. گرچه هنر سیاه چادر بافی رو به انقراض است ولی عشایر

نظر می‌رسد که اوج این هنر در مراحل



اولیه اختراع واقع شده است و این محصول برای پوشش سرپناه جامعه عشایری استفاده می‌گردد. این خانه‌های بسیار در مدت زمان کوتاهی برپا شده و به راحتی برچیده می‌گردد. کار چیدن موی بز برای بافتن سیاه چادر توسط مردان انجام می‌گردد و زنان آن‌ها را می‌شویند و

می‌ریسند و می‌بافند.

ماده مورد نیاز جهت بافت سیاه چادر، موی بز است که از رنگ سیاه زاغ، سور و بور آن استفاده می‌شود. موی بز خاصیت بسیار مطلوبی برای حفظ آب در مواقع بارندگی دارد و معمولاً آب باران از جداره آن عبور نمی‌کند. الیاف بافته آن در اثر رطوبت قطور تر شده و از نفوذ آب باران به داخل سیاه چادر جلوگیری می‌نماید و در فصل گرما الیاف نازک می‌شوند و عبور هوا امکان‌پذیر می‌گردد و این که موی بز در دسترس و ارزان تهیه می‌شود سیاه چادر اصلی‌ترین فضای زندگی عشایر کوچ‌نشین می‌باشد.





از آنجا که سیاه چادر در موقع کوچ نیز به آسانی جمع شده و قابل حمل و نقل می باشد، بهترین پوشش برای چادر عشایر است. سیاه چادرها معمولاً به صورت انفرادی و یا چند تایی و در دامنه بلندی ها به نحوی که از باد و باران در امان باشند، بر پا می شوند و روش تهیه سیاه چادر این گونه است که اول تارهای چله را در روی زمین می گذارند و به بافتن آن می پردازند. در آغاز سیاه چادر از یک تکه به طول ۱۰ متر و عرض ۵۰ سانت بافته می شود که در ادامه تکه ها به هم متصل می شوند و چادر را تشکیل می دهند. هر سیاه چادر از چند نوار بافته شده از موی بز به نام "لت" تشکیل شده است که عرض ۴۰ تا ۶۰ سانت و طول ۶ یا ۱۰ و یا ۱۵ متر را شامل می شود. زنان هنگامی که "لت ها" را از دو طرف به هم می دوزند، سیاه چادر کامل می شود.



هنگام گرما و خشکی هوای نی‌ها منقبض می‌شوند و هوای نی‌ها می‌تواند وارد و خارج شود و تهویه هوای ملایمی در چادر به وجود می‌آید. همچنین، تحقیقات نشان داده است که مار و جانوران دیگر نمی‌توانند از موی بز عبور کنند و وارد چادر شوند.

چیق

چیق، چیغ، چیت یا نی‌چی پوشش دیواره چادر عشایر ایران است. چیق از نی که به صورت خودرو در محل زندگی عشایر می‌روید و موی بز بافته می‌شود و از ورود گرما، سرما، باد، باران و خاک به درون چادر پیشگیری می‌کند. از آنجا که نی‌ها توخالی هستند عایق حرارتی محسوب می‌شوند. هنگام باران نیز به دلیل بالا رفتن رطوبت هوای نی‌ها منبسط می‌شوند و به هم می‌چسبند؛ به این ترتیب در برابر ورود آب به داخل مقاومت می‌کنند. همچنین، موی بز به دلیل داشتن لایه چربی مانع نفوذ آب می‌شود.







"قلم و قالی"

کتاب طراحی استاد علی خلیقی

کتابی بسیار موثر در طراحی فرش که جهت آموزش هنرجویان نگارش شده است. این کتاب توسط آقای علی خلیقی استاد دانشگاههای هنر تهران، دانشگاه هنر زاهدان، دانشگاههای علمی کاربردی در سراسر کشور طراحی و انتشار گردیده است.

کتاب حاضر در یک مقطع زمانی چاپ و انتشار گردید و اکنون تعداد محدودی از این کتاب با چاپ اول موجود است که جهت فروش به این مجله سپرده شده است. جهت خریداری لطفا با شماره **۰۹۱۲۲۱۲۹۷۳۳** تماس حاصل فرمائید.





با سپاس از خانم پریسا بیضایی برای ۵ سال مدیریت موزه فرش ایران

در کتابخانه موزه حدود ۳,۵۰۰ جلد کتاب به زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی در اختیار هنردوستان و پژوهشگران قرار می‌گیرد. پژوهش در سوابق، تحولات و کیفیت تاریخی هنر و صنعت فرش، خاصه در ایران، گردآوری و خریداری نمونه انواع قالی‌های دست بافت ایرانی و برگزاری نمایشگاه‌های موقت از فرش ایران و سایر نقاط جهان، از اهداف موزه به‌شمار می‌آید.

فعالان این حوزه سالهاست که منتظرند فردی به عنوان ناجی پیدا شود و با حضور در موزه‌های کشور خاص موزه ملی و موزه فرش این مجموعه‌های فرهنگی بی‌رقیب را از شرایط کنونی نجات دهند، هر چند که به گفته فعالان میراث فرهنگی پریسا بیضایی که از سال ۱۳۹۵ مدیر موزه ملی فرش بود تنها فرد تحصیلکرده در این زمینه بود یک مرتبه تغییر کرد و این یعنی یک تغییر اساسی در مدیریت موزه‌ها...

موزه فرش ایران دارنده

با ارزش‌ترین نمونه‌های قالی ایران از قرن نهم هجری تا دوره معاصر است و از منابع غنی تحقیقی برای پژوهشگران و هنر دوستان به‌شمار می‌آید. معمولاً حدود ۱۳۵ تخته از شاهکارهای قالی ایران، بافت مراکز مهم قالی‌بافی مانند کاشان، کرمان، اصفهان، تبریز، خراسان، کردستان و جز آن‌ها، در تالار طبقه هم‌کف به معرض نمایش گذاشته می‌شود.

همچنین در این نمایشگاه تابلوفرش‌های نفیس تبریزی، فرش تبریز به نمایش درمی‌آید که نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. در این نمایشگاه نمونه‌هایی از قالیچه‌های تصویری شاهنامه بایسنقری به نمایش درآمده است که گوشه‌هایی از ادبیات، اسطوره، مذهب و فرهنگ و هنر غنی ایران را نشان می‌دهد.



خانم پریسا بیضایی حدود ۵ سال مدیریت موزه فرش را بعهدہ داشتند و با تمام سختی‌ها و کاستی‌ها در مورد توان اجرایی مدیریت در کشور توانستند که خدمت شایانی داشته باشند. تلاش برای شناساندن موزه فرش بصورت مجازی در مدت همه‌گیری کرونا باعث شد که چندین برنامه بصورت مجازی از موزه فرش داشته باشیم و ایشان نیز در این رابطه با ما و مجله کاریت پلاس همکاری چشمگیری داشتند. ما بواسطه

همکاری موزه و با هماهنگی چند استاد برای توضیحات کامل در مورد آنها توانستیم یکی از نمایشگاه‌هایی که با مجموعه دستبافته‌های عشایری آقای تناولی که به موزه و وزارتخانه هدیه داده بودند را بصورت مجازی به نمایش درآوریم.



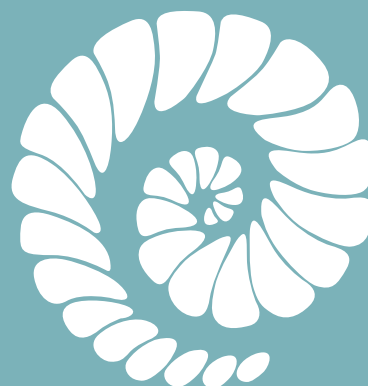
با انتصاب آقای عزت الله ضرغامی بعنوان وزیر گردشگری و میراث فرهنگی آقای "سجاد نوروزیان" به عنوان مدیر جدید موزه فرش ایران منصوب شد. سجاد نوروزیان پیش از این در ستاد انتخاباتی آقای ضرغامی به عنوان دستیار در حوزه کسب و کار در فضای مجازی فعالیت داشتند و اظهار امیدواری کردند که با تغییر مدیریت در این موزه بتوان شاهد افزایش تعداد بازدیدکنندگان، افزایش سمینارهای تخصصی و برنامه متنوع باشیم.



کاریت پلاس از مدیریت خانم پریسا بیضایی قدردانی و تشکر می‌نماید و امیدواریم که همواره موزه فرش بتواند با مدیریت جدید به راه کارهای بهتری برای شناساندن این موزه غنی و زیبا به مردم ایران و جهان باشد

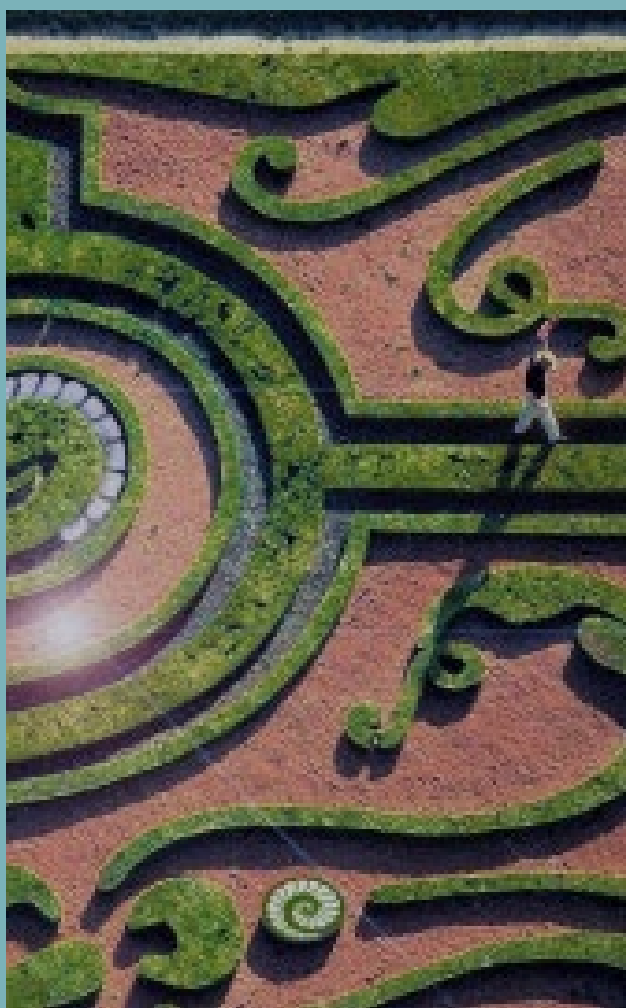
به امید روزهای پر تلاش و پر از بازدید کننده برای موزه فرش ایران.





SEPANJ STUDIO
www.sepanjstudio.com

استودیو طراحی و برندسازی سپنج



"سپنج" خدمات یکپارچه‌ی خود را با توجه به نیاز مشتریان، از سازمان‌های کوچک و متوسط تا بزرگ به اثر گذارترین شکل ممکن ارائه می‌دهد که شامل موارد زیر است:

- تدوین استراتژی بازاریابی
- بخش بندی بازار و تعیین موقعیت کسب و کار و هدف گذاری
- برند سازی و طراحی المان‌های برند
- تدوین و اجرای استراتژی پیام
- طراحی و تدوین محتوا و متن تبلیغاتی
- طراحی کمپین‌های خلاقانه بر اساس استراتژی تعیین شده
- هویت سازی یکپارچه برای مشتریان بر اساس استراتژی
- دیجیتال مارکتینگ
- توسعه‌ی برند در شبکه‌های اجتماعی
- طراحی گرافیک تجاری، طراحی سایت و تهیه و تولید مستندهای تبلیغاتی

پایان



CARPET PLUS

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine